

# جهانگردی و اثرات مثبت فرهنگی و اجتماعی آن

دکتر محلاتی - گروه جغرافیا - دانشگاه شهید بهشتی

## ۱- تهذیب اخلاق

بدون تردید مسافرت یکی از بهترین وسایل شناخت اقوام و ملل گوناگون و سوق بسوی کمال و تهذیب اخلاق است. با سیری در تاریخ و مروری بر احوال بزرگان در می‌یابیم که بسیاری از ستارگان برفروغ جامعه بشری و راهنمایان و مریدان انسانی برای نیل به فضائل اخلاقی و به منظور دسترسی به معارف عالی و مرجشمه لایزال حقیقت، راهها پیموده و مراتبها کشف کرده‌اند. بدین جهت است که در کتب آسمانی و اخلاقی و اجتماعی و دیوان شعرا مضامین بسیار نیکو و عبارات پر مغز و آموزنده‌ای در مورد اثرات مسافرت در تعالی اخلاق انسان می‌توان یافت.

در کتاب جاودانی مسلمان، قرآن کریم نیز آیات زیادی در مورد فوائد مسافرت آمده است. از مجموع آیات قرآن در مورد مسافرت چنین استنباط می‌شود که منظور غائی بروردگار از تشویق و حسی امر کردن مردم به مسافرت، شناخت عظمت خلقت و آفرینش موجودات، تنوع وجود از یکسو و بی‌بردن به تاریخ ملت‌های گذشته و عبرت گرفتن و بند آموختن از سرخوش آنها و مخصوصاً "تفہیم و درک کیفیت زندگی از سوی دیگر است."

ما در اینجا به عنوان مثال به ذکر چند آیه از قرآن کریم در مورد مسافرت اکتفا می‌کنیم. در آیه ۱۱۹ از سوره عنکبوت چنین آمده: *قل سرور ائی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق*... یعنی بگو (ای محمد) سیر کنید در زمین تا به چگونه خلق هستی و عالم وجود واقع شوید.

ما سر در زمین، دریاها، آسمانها، انسان به عظمت آفرینش و خردی و کوچکی خویش بی‌می‌برد و تنها حدائی را زندگی و اطاعت می‌نماید که رسی را با همه عظمتش رام و مسخر مخلوق خود فرمود. ما از راههای گشوده آن آمد و سد کند. خاک سیره را سدا، حیات و روزی دهنده، موجودات و مرجع مخلوقات قرارداد *ا سبأ خلقتکم و فسبا عندکم و فسبا بحرکم* ( سطح آنرا صحه

زندگی گناه و حیوان و انسان و درون آنرا محل نشو و نما می‌شود. وجوداتی بس ریز ساخت که با جان و توان و حبس و جوس خویش محمی مساعد برای ریسب گناهان که عامل عمده در ایجاد تعادل و حیات انسان است فراهم آورند. اندرون آنرا مخزن نیروهای شگرف و قوای بیکران قرارداد که با فعل و انفعالات خویش مناظر سطح آنرا تغییر می‌دهند.

حیوانات عظم الجسه و خرد و کوچک، برندگان زبا و خوش خطه، خال را در نهایت دراست و کمال بافرید. هر سختی از این پهنه، خاک را مسکن و ماء وای گروهی از انسانها، اقوام، گناهان و چابوران قرارداد که ما هم معاوسهای سبار دارند. جهان بشری را با دنیائی تناس و اختلاف و تنوع از نظر شکل و فضا، آداب، رسوم، خلفیات، ذوقیات، افکار و... خلق نمود.

سایرون آمتن از لانه و آستانه خود، در نسخه سمر و سفر، انسان خام و معرور که در عین ناسوسی و عجز به قدر صوری خویش مبارد، از نظر اخلاقی دگرگون می‌شود و به زیور خرد و سجایای سیکو آراسته می‌گردد. زیرا در طول سفر در معضد مسافرت به سب رؤیت آثار بر عظمت خلقت، کوه، دشت و جنگل، صحرا و دریا، شهرهای آباد و بلاد خراب، اساسهای رنگارنگ، نندسهای گوناگون و معیشتهای متنوع بسیاری، از ناشناخته‌ها را می‌شناسد و به خردی و کوچکی خود در برابر عالم وجود بی‌می‌برد و پینداورسهای نادرستش به داورسهای صحیح بدل می‌شود. از چاله تنگ نظری و کونه سسی، از امراض حسادت و نخل و کیه و روزی و رفاسنهای کنیف که زندگی را با همه رفاسنس بر آدمی سنگ و نارسا مینماید، رها می‌گردد و به زیور کمالات و خلفیا بس بسندیده از قسل سخاوت، گرم، بردباری، حسن مسئولیت سبب به همنوعان خویش و تمامی عالم وجود مزین می‌شود و گنجینه، دلس از زمانه کینه و حقد و حسد سبی شده و از عشق و وفا و بلند نظری و محبت مسجون می‌گردد.

با توجه به فوائد فوق‌الذکر سفر است که شاعر شیرین سخن پارسی، سعدی می‌گوید:

سیار سفر باید تا پخته شود خامی

صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی

و این قول عطار نیشابوری است که:

زیں بحر همچو باران بیرون شو و سفر کن

زیرا که بی‌سفر تو، هرگز گهرنگردی

بایستی در راه وصول به کمال و درک حقیقت، در راه تحصیل اخلاق و عرفان بوجود، ترک شهر و دیار خویش گفت، سفرها کرد تا روح خام پخته گردد و ناخالصیها و ناپاکیهای جان و روان در پالایشگاه رمانه و در مراحل متفاوت سفر و در مکشهای گوناگون حیات زده‌گردد و روح صفا یابد و خشونت اخلاق به لطافت خلق بدل شود.

ابوحامد محمد غزالی در فوائد سفر چنین گوید:

آنکه سفر کند خویشش و اخلاق خویشش را بنسازد، تا به علاج صفائی که در وی مذموم است مشغول شود، و این سر مهم است که مردم با در خانه خویش بود و کار به مراد وی می‌رود به خویشش گمان نیکو برد و پندارد که تنکو اخلاق است، در سفر پرده از اخلاق باطن برخیزد و احوالی بیش آید که ضعف و بدخوشی و عاجزی خویش شناسد، و چون علت یاراند به علاج مشغول تواند شد و هر که سفر نکرده باشد، در کارها مردانه نشاند. بشر حامی (ره) گسی: (ای قزاقان، سفر کنید تا پاک شوید، که هر آب که جرجای صافد، گسدد). (۱)

سعدی باز در جای دیگر گوید:

سفر سوهان مرد است ای حردمند

درد مرد عامل یای درسد

به شهادت تاریخ تمامی اسیا و بنیانگذاران مکاتب عالی اخلاقی و مدهبی و علمی قسمتی آریزدگی خود را در سیوسفر می‌گذرانند. در دوران جوانی به زندگی جویایی و شناسی می‌پرداختند و لارمه این نوع زندگی مسافرت و ترک دیار دائمی است. کوه و دشت و دمن، دریا و صحرا مبعادگاه آنان با حق تعالی بود. در سکوت طبیعت، سر به جیب تفکر و تعمق در راز آفرینش و هستی فرو می‌بردند، با معبود خویش ررمه، عشق سر می‌دادند و آنگاه که از معدن هستی الهام می‌گرفتند و به انواع فضائل و صفات پسندیده آراسته می‌گشتند در پی شناساندن حقیقت و نجات هموعان خویش از گمراهی، راهی بلاد گوناگون می‌شدند.

## ۲- پند تاریخ

یکی از بهترین نتایج مسافرت، عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام گذشته و بی‌بردن بعلل سقوط و هبوط ملتها و با دانستن سبب پیسرفت و تعالی اقوام است. در سوره مؤمن، از کتاب جاودانی اسلام، چنین آمده است: اقلم یسیروائی الارض . . . . .

آیا سیر می‌کنید در زمین تا ببینید چگونه بود عاقبت کار کسانی (دولتها و ملتتهائی که بقدرت خویش مغرور شدند و بر هموعان خود ظلم و جور روا می‌داشتند) که در این پهمه خاک می‌زیسته‌اند؟ در طی مسافرت به آثار و خرابه شهرها و بلادی برخورد می‌کنیم که روزگاری در نهایت عمران و آبادی بودند. این شهرها پایتخت سلاطین و فرمانروایانی بود که در کاخها و قصرهائی که پایه‌های آن‌ها بروی خون ملتها بنا شده بود، می‌زیستند. در اوج مکتب و در کمال رفاه بودند. این شهرها آقامتگاه کسانی بود که در چهار روزه عمر خود به انکاء قدرت خویش با استعمار و استعمار میلیونها اسان و یا به بردگی گرفتن هزاران مغراز هموعان ضعیف خود، زندگی پر رونق و شکوه خود را بنا می‌نهادند. اما دیری نیانید (بس از گذشت هفتاد، هشتاد سال که سهرحال لمحهای از رمان سن نیست) که حوادث رمانه، طومار زندگیشان را در هم پیچید و آن بیکرهائی که در بسترهای راحت می‌آرمید، آن بدنیهائی که به رسله لباسهای فاخر و جواهر نشان پوشیده می‌شد سالهاست که بحاک سیاه سپرده شده‌اند و در اندک زمانی متعفن و متلاشی گردیده و به خاک مبدل شده‌اند آن قصرها و کاخهای مجلل مبدل به ویرانه گشت و لاشخورها در آنها مسکن گرفتند. آن روزگار طلائی سیری شد بالاخره آن شهرهای آباد، بحرایی گرائید. آری چنین است شیوه روزگار و مدار حیات که دیر با رود فریادهای آرمه فرمانروایان و پادشاهان را خاموش می‌سازد و سهرهای ناجداران را به خاک می‌سازد و آن بیکرهائی که از حون مطلوبان و سبویان نعدیه موده‌اند، بخاک سیره بدل می‌سازد و ذرات آن خاک را گرد باد انام سهر سو پراکنده می‌سازد!

اگر ایینه تاریخی، موزه‌ها و اشیائی که در معرض دید جهانگردان و ساحان است، می‌توانستند زبان نگناید چه سیار داستانها که از ساکنین و صاحبان دیرین خویش می‌گفتند و چه افسانه‌هایی که از قدرت و عظمت سلاطین و مردمان گذشته بازگو مینمودند!

این زمین کهنسال خاطراتی بس شگفت انگیز از تمدنها و شهرهائی نظیر کارتاژ، بابل، سومر، آشور، اکد، ماد، هخامنشی، مصر . . . . . در بر دارد. چه جهانگشایان و سرداران و چه سلاطین عادل و با خون آشامی را به خود دیده است. هم اکنون تنها چیزی که از آنها باقی مانده نامی و یاد است که جاودانه بر تارک تاریخ نقش بسته است.

چه بسیار انعام می‌افتد که در مسافرتها به باهائی نظیر مایاها، کاروانسراها، آب انبارها و . . . . . برخورد می‌نمائیم که در صدها سال قبل توسط نیکوکاران بنا شده و ما هم اکنون بنیانگذاران آنها را به نیکی یاد می‌کنیم و به روانشان درود می‌فرستیم. و یا به خرابهها و ویرانه‌هایی از شهرها و بلاد برخورد می‌نمائیم که طعمه غضب و خشم و هوی و هوس فرمانروائی و با قومی شده بالنتیجه غفرت و انزجار خود را به روان آنها می‌فرستیم.

در نتیجه سفر غمنا و اندوهها از دل انسان زدوده می شود و روح خسته و آزرده از آلام زمانه شاد و خرم می گردد. ما دیدن زندگانیها و معیشتهای گوناگون، انسان مسافر به منزلت خویش پی می برد. برای نسل به زندگی بهتر تلاش می کند و یا از موقعیت و وضعیت خود اظهار رضایت می نماید. قدر نعمتهایی که دارد شناخته و از آثار آنها و هیجانات روحیش کاسته می گردد. از آندوه و غمپه خوردن در مورد زندگی دیگران فارغ شده روحش صفا می یابد. از آنجا که انسان فطرتاً "تنوع طلب است اگر مدتها در محیطی بکنواخت نماند بزودی خسته می گردد. در عصری که زندگی ماشینی و ضوابط پیچیده و خسته کننده، آن خواه ناخواه در کلیه جوامع رخنه نموده است، در زمانیکه انسان ناگزیر به زندگی در میان جنگل ابرار و آلات مکاسکی و ماشینی است که با غریب و فریاد خود روح را می آزارند، در روزگاری که بعثت توسعه، ارتباطات، جوامع بیکدیگر بسیار نزدیک شده اند و این نزدیکی و فشردهگی باعث خستگی زیاد روان می گردد، در دوره ای که زندگی در منازل باز و گسترده، در دل جنگل و طبیعت به ریش در مساکن بدقواره تنگ و کوچک آهنین و در شهرهای آلوده و کثیف تبدیل شده است بیش از پیش روح آدمی که طالب تنوع و آرازی است حسه و فرسوده می شود. چه بسا امراض و ناراحتیهای جسمی که ناشی از خستگی روح است و چه بسا بیماریهای روانی که از فرسودگی روح و روان اساسیهای عصر ماشینی و هزاران و میلیونها جنایت فجایع را در جامعه متحده می نمود.

پس برای فرار از آلام و ناراحتیها که اکثراً "ناشی از زندگی ماشینی و شهرنشینی است بایستی هر چند مدت، بمشور تعدد اعصاب و تجدید قوا، مسکن و شهر اقامتگاه دائمی را ترک گفت و راهی سایر بلاد و شهرها شد. پیغمبر سرگزوار اسلام فرمود:

اذا غسرا حدکم فلیخرج و لایقیم نفسد و اهله . . . . . یعنی بهنگامیکه سختی و ناراحتی بر یکی از شما وارد می شود بایستی خارج شوید (سفر کنید) و مبادا بر نفس خود و بر خانواده، خویش سخت گیرید. اگر انسان نیز از نظر معیشت و زندگی در محل اقامت دائم خویش در مضغه افتاد باید سفر کند.

سعیدی شاعر نامدار سمرقند گوید:

درخت اگر منحرف شدی رجای بجای

نه جور اهر کشیدی و نه جفای نیر  
همچین رسول اکرم فرمود: **سافر و انصحو (۲)**: مسافرت کنید تا - لم یأخذ .

سفر از دیدن به خواص مسافرت در معالجه، امراض گوناگون روانی و جسمی پی رده است استفاده از مناطق خوش آب و هوا و تازگی گرم از هزاران سال قبل برای سعای امراض جسمی و روحی مس و ن بوده است. امروزه در ممالک راهبه، عالم کلرمدان و سوره

کارگران را تشویق و ترغیب حتی مجبور می نمایند که اقلاً "چند روز از ایام سال را با مسافرت از مسکن و محل اقامت دائم خویش دوری گیرند. تا با استفاده از مواهب و زیباییهای طبیعی و با دیدن شهرها و کشورهای دیگر خستگی روح خود را برطرف نمایند.

#### ۴- آموختن علم

یکی از مهمترین نتایج مسافرت کسب دانش و علم و وصول به کمال است. به گواهی تاریخ، اکثر رجال علم و دانش دنیا برای راهیابی به دایره دانش، بسیار سفرها کرده اند. لذت سفر را چشیده و افقهای دور را مستفوار پیموده، سرزمینهای نادیده را دیده، مردمان ناشناخته را شناخته و تا توانسته اند از آغوش طبیعت و با از محضر علما و رجال دانش بهره گرفته و به کشف پاره ای از رموز خلقت نائل آمده اند. و این کلام جادویی مولانا است که می گوید:

جو قطره از وطن خویش رفت و باز آمد

مصادف صدف او گشت و شد یکی گوهر  
این عارف نامدار و این رند خراماتی که خود بدندان معشوق و کمال مطلوب درد خارهای مغللان را به جان خرید و به سفرها رفت، برای بیان اثر مسافرت در آدمی شوه: تبدیل دانه باران را به گوهر در عکم صدف مثال آورده است. انسان را به منابه دانه بارانی می داند که صدف با بار کردن دهان خویش از آسمان می گیرد و پس آن دانه را خود می برد، مدنهار در درنا سیر می نماید و آنگاه که بار می گردد و دهان بار می کند، مسافر خود (دانه - باران) را عیان می سازد در حالیکه آن مسافر به گوهر (مروارید) تبدیل شده است.

در اسلام تأکید زیادی به مسافرت برای کسب علم و دانش شده است. چنانکه پیغمبر اسلام فرمود:

من خرج من بسه فی طلب العلم فی سبیل الله حتی . . . . . یعنی هر کس در راه کسب علم و فصلت حاشه و دیار خود را ترک گوید و به مسافرت رود او در راه خدا و در بنام خدا خواهد بود تا مراجعت نماید.

اگر به تاریخ علم بنگریم مشاهده می کنیم که مردمان دانش و حرد برای بهره مدی از محضر دانستمدان ماهها و سالها از عمر خود را در سفر می گذرانند. چه بسا اتفاق می افتاد طلبه ای محظور کتف یکی از معماهای علمی هزاران فرسنگ مسافت را می پیمود تا به مقصود خود میرسد. ابن خلدون جامعه سانس و دسا گرد شهر آمریقای گوید: سمر و سفر در جستن دانشها و دیدار مشایخ بر کمال تعلم می افزاید، زیرا سفر معارف و اخلاق و مذاهب و فضائلی را که در آنها معارست می کند گاهی از طریق دانش و علم و العافه فرا می گردد و گاهی آنها را به شوه غلبند و حضور در محاسن درس دیگران می آورد. ولی ملکه هائی که بطور مستقیم و به صورت نفس حاصل شده مانند مستحکمتر و راسخ تر خواهند بود. این است

الصن . . . . . یعنی یونای علم مانند اگر چه لارم مانند نه حین سفرکند . (اسحا مراد از مسافرت نه حین انجام مسافریهای دوراست).

## ۵- جهانگردی و صلح و تفاهم بین المللی

یکی از مهمترین علل جنگها و کشمکشها و نزاعهایی که بین ملل دسا روی می دهد ، همانا عدم شناخت و درک یکدیگر است . اگر نه این اصل که « شناختن موجب دوست داشتن است » منعقد باسم نه اهمیت جهانگردی در ایجاد حسن نواطم و همبستگی صلح – آمرین اقوام و ملل دنیا بی می برسم و با اندک تعین در بی باسم که هیچیک از اعمال و فعالیتهای انسان می تواند نه اداره جهانگردی و مسافرت اساس ایجاد نواطم و ارساط و سانسائی افراد انسان نسبت نه یکدیگر را نه تشریح عرصه دارد (۴) . چه سسار اتفاق می افتد که در حین سفر و در مقصد اسخاص مسافریا افراد و اقوام مختلف آشنا می شوید و این آسائی علاوه بر اینکه موجب تعبیر فضاونتهای آنها در مورد آن قوم و ملت می گردد ، اساس خالوده دوستی و صلح و صفا و صمیمیت بین مسافران و ساکنین مقصد مسافرت گذارده می شود . چه سسار آسائیها و مرادوات در سفرها بین افراد حاصل شده و منجر نه همبستگیهای فاملسی می گردد . سببمن جهت است که امروزه دول محنتف دسا سعی دارند جهانگردی را هر چه سننتر در سطح ملی و در مقاس بین – المللی توسعه دهد .

که دیدار دانشمندان و مشایخ مختلف ارسطر بارشاختن اصطلاحات برای متعلیم سسار سودمند است . چه در این دیدارها اختلاف شیوههای آنها در دانش می سبند و در نتیجه دانش را از اصطلاحات تجرید و انتزاع می کند و می فهمد که اصطلاحات مرسوم طریقههایی برای تعلیم و روشهایی جهت تدریس دانش می باشد و فوایش برای رسوج و استحکام در ملکات برانگنخسه می شود و معلومات وی تصحیح می گردد و معارف گوناگون را از یکدیگر باز می ساسد و در عین حال ملکات وی بواسطه عبادت کردن حضور در مجالس درس معلمان ، و سود بردن از تعلیمات آنان و دیدن آنهمه استادان و مسایح گوناگون ، تقویت می شود . و این نتایج برای کسی که خدا راههای دانش و راهسائی را برای وی سبر کند و آنگاه ناگزیر باشد در طلب دانش سفرگرید و نه گردش و جهانگردی بردارد نا سود فراوان و کمال معلومات خوش را به دیدار مشایخ و برحوردا با رجال بدست آرد و خدا هر که را سخواهد به راه راست هدایت فرماید . (۳)

مسافرتیهای علمی در بین مردمان ایران زمین از دیرباز مرسوم بوده و ساکنین این خطه نه کسب علم و فضلت از راه مسافرت و درک محاسن علمای بزرگ سسره جهان بوده اند . . . . . چسکه بیعمر اسلام فرمود : لوکان العلم فی الشریا ، لالله رجال من فارس عی اگر دانش و علم در سساره ، ثریا باشد ، مردانی از فارس در طلب دانش نه آن سساره سواهدرفت ، رسول اکرم صلی الله علیه و اله در بربنت مسلمین نه دانش آموزی فرمود : اطلب العلم ولوکان –



توکو نیویورک شانگهای پاریس بوئنوس آیرس مکزیکو لندن مکه سیکاگو برلین



جهانگرد می‌تواند در مقام سفیر حسن نیت برای شناساندن شهر و کشور متبوع خود باشد. هر ساله عده کثیری برای حضور در کنفرانسها، مراسم و با تفریح و گردش از کشوری به کشورهای دیگر مسافرت می‌کنند. این مسافرتها علاوه بر اینکه فرصتی برای همکاریهای بین کشورها ایجاد می‌نماید، تصویری از کشورهای مربوطه را به دبای خارج معکس می‌سازد.

بدون شک شناسائی بیش از پیش افراد یک کشور و یا ساکنان یک قاره از یکدیگر تأثیر بسیار مطلوبی در استحکام روابط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ... ساکنین آن کشور و با آن قاره می‌گذارد و بدون شبهه هیچ چیز نمی‌تواند به اندازه مسافرت، یعنی حضور در محل، افراد را به یکدیگر شناساند. گرچه امروزه به برکت وسائل ارساط جمعی بیسرفزه از فیل رادیو، تلویزیون و مطبوعات مردمان مناطق مختلف یک کشور و یا بطور کلی سکنه دنیا می‌توانند از همدیگر خبر داشته باشند و به یکدیگر بسیار نزدیک شوند اما چه بسا اتفاق می‌افتد که این وسائل تحت تأثیر اولویتها و موقعیتهای سیاسی فرار گرفته لذا تنها جنبه‌های خاصی از زندگی و ویژگیهای خلفی و ... یک قوم را بازگو می‌کنند و یا حتی در نتیجه بروز اختلافات سیاسی و اقتصادی بین مسئولان امور اداره این فیل وسائل ارساط جمعی ( دولت ) یک کشور با کشور دیگر، اصلاً " حقائق و واقعیات فرهنگی و ... ساکنین یک کشور بطور معکوس و قلب شده، سمع ساو ملل می‌رسد. قدرت وسائل ارساط جمعی در تبلیغات و قلب حقائق، مخصوصاً در اسی عصر و زمان جدی قوی است و آنگاه این وسائل بطور مستقیم و یا غیرمستقیم ناگزیر به سعیت از حفظ مبنی سیاسی دولتها هستند که هیچوقت نمی‌تواند حقایق ملی و کشوری را آجانبه، ناپید و ناسد، و در دبدی بی‌عرضه برای ملت و جامعه خود معرفی نماید لذا سفر تنها وسیله برای بی‌بردن به آداب و رسوم و ساحت مغایل اقوام از یکدیگر است.

همچنان که گذشت از آنجا که شناسائی و درک مغایل اقوام، پرور محبت و دوستی بین ملتها راست می‌نود سائر این جهانگردی نفس سسار آورنده‌ای در گاهش نتایجات بین‌المللی دارد. بدین لحاظ است که از جهانگردی نام " پاسپورتی برای صلح " یاد می‌نود و در سال ۱۹۶۷ بنا به تشهاد " اتحادیه بین‌المللی - سازمانهای رسمی مسافرتی " به سازمان ملل متحد، سال پرور از طرف این سازمان " سال جهانی جهانگردی " نامیده شد و ماسدگان دول عضو سازمان مطالبی بپرامون اثرات جهانگردی و مسافرت در توسعه روابط بین‌المللی و تفاهم جهانی بیان داشتند. نکته حائز اهمیت آنکه جهانگردی نه تنها برای یک طرف، یعنی مسافر نافع است، بلکه ساکنین منطقه مورد بازدید و یا کشور پذیرا سر تا رویت و تماس با جهانگردان به جلوه‌هایی از تمدن و جلغبات ملل دیگر را واقع می‌سازد.

به منظور حسن ختام این بحث به کلام گهربار علی علیه‌السلام که متضمن تمامی فوائد مسافرت، تائسی می‌جوئیم:

تغرب عن الاوطان فی طلب العلی

تسافر و فی الاسفار خمس فوائدی

تفرح هم و غم و اکتساب معیشتی

و علم و آداب و صحت ماجدی

در طلب دانش و فصیلت و معرفت، شهر و دیار و خانه و کاشانه خود را ترک گوئید و به مسافرت روئید. زیرا سفر برای انسان پنج فایده دارد:

۱ - غم و اندوه از دل انسان روده می‌شود.

۲ - روزی و معیشت وی تائمن میگردد.

۳ - ابواب دانش بر او گشوده می‌شود.

۴ - به ربور ادب و فصیلت آراسته می‌گردد.

۵ - از هم‌صحبتی و معاشرت با علما و بزرگان بهره‌مند می‌شود.

در حدیث است: فی الحركه تركه در حرکت ( سفر، جایی -

حیات و جوهر وجود است. اگر لحظه‌ای بفرمایش علی علیه‌السلام

بیاوندینم در می‌تایم که چگونه خیرات و برکات مسافرت را که

دیده‌ای است، در قالب این چند بیت شعر بیا آورده است.

و بالآخره باند گفتم که با توجه به محاسن ذکر شده سفر و ساحت

است که رسول اکرم با کلام گهربار خویش فرمود:

( السباحة امنی، الجهاد فی سبیل الله ) (۵) و بدین کلام سر

و ساحت مسلمانان نوعی جهاد در راه خداوند است.

در بیان با بررسی اثرات مثبت جهانگردی در این شماره آمد

است در شماره‌های آینده به اثرات منفی آن نیز پرداخته شود.

#### یادداشتها

(۱) صفحات ۴۵۷ و ۴۵۸، کیمیای سعادت - ترجمه خدیوحم

(۲) وسائل الشیعه - جلد هشتم، صفحه ۲۵۰

(۳) صفحه ۱۱۴۵ مقدمه این جلدون - ترجمه پروین کاشانی با

تلخیص.

(۴) سفر به معنای صلح و صفا دادن بیان دو قوم و میانجی‌گری

نمودن آمده است ( اسدراج )

(۵) صفحه ۷۳، مستدرک